

موضوع شناسی فقهی بانک چشم انسان

رضا احمدوند^۱

چکیده

یکی از آسیب‌های رایج خطرناک، بیماری و اختلال در ناحیه بینایی و چشم افراد است. این بیماری در گذشته منجر به از دست رفتن کامل بینایی افراد می‌گردید. امروزه نیز پیشرفت تکنولوژی و افزایش رسانه‌های سمعی و بصری - به ویژه گوشی همراه - باعث بروز بیماری‌های چشمی و اختلالات بینایی در میان افراد جامعه گردیده است. یکی از این بیماری‌ها تاری و کدورت قرنیه است که در گذشته موجب از بین رفتن قوه بینایی در افراد می‌گردید. دانش پزشکی با توجه به پیشرفت‌های چشمگیری که در درمان بیماری‌ها داشته، توانسته است با انجام عمل جراحی و پیوند قرنیه این مشکل را برطرف نماید. پیوند قرنیه موفق‌ترین پیوند میان انواع پیوند است. پیوند قرنیه، یک عمل جراحی است که در آن قرنیه فرد با قرنیه اهداء شده از افرادی که از دنیا رفته‌اند، جایگزین می‌گردد. اگر قرنیه با تمام ضخامت برداشته شود، پیوند قرنیه نفوذی (penetrating keratoplasty) و اگر قسمتی از ضخامت قرنیه گیرنده با قسمتی از ضخامت دهنده جایگزین شود، پیوند لایه ای (lamellar keratoplasty) نامیده می‌شود. عمل پیوند قرنیه، با اهداف اپتیک به منظور بهبود بخشیدن دید بیمار و یا با هدف درمانی به منظور حذف عامل بیماری و در پاره ای موارد با هدف زیبایی به منظور

^۱. پژوهشگر و دانش‌پژوه فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).



ارتقای کیفیت ظاهری چشم است؛ یکی از نیازهای مراکز درمانی - به منظور در دسترس بودن قرنیه برای پیوند - تأسیس مرکزی برای نگهداری قرنیه‌هایی است که از متوفیان دریافت شده است. نوپیدا بودن این نوع عمل جراحی از یک سو و از دیگر سوی برداشت بافت‌های مورد نیاز آن از بدن اموات و نگهداری آن در بانک چشم باعث به وجود آمدن برخی ابهامات در ناحیه موضوع و حکم این عمل نوین گردیده است. این پژوهش در صدد است تا با موضوع شناسی فقهی این عمل جراحی و تبیین دقیق آن به سؤالات فقهی در این باره پاسخ بدهد.

واژگان کلیدی: بانک چشم، پیوند قرنیه، موضوع شناسی، فقه پزشکی



یکی از عوامل مهم نابینایی قابل پیشگیری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، کدورت قرنیه است که راه علاج آن، پیوند قرنیه است. پیوند قرنیه، موفق‌ترین پیوند عضو در بین تمام انواع پیوند است. پیوندی که در آن قرنیه فرد پذیرنده با قرنیه‌ای که از چشم فردی دیگر دریافت شده است، جایگزین می‌گردد. اگر قرنیه با تمام ضخامت برداشته شود، پیوند قرنیه نفوذی (keratoplasty penetrating) و اگر قسمتی از ضخامت قرنیه گیرنده با قسمتی از ضخامت قرنیه اهدا کننده جایگزین شود، پیوند لای‌های (keratoplasty lamellar) نامیده می‌شود.



عمل پیوند قرنیه، با هدف اپتیکی به منظور بهبود بخشیدن دید بیمار و یا با هدف درمانی به منظور حذف عامل بیماری و در پاره‌ای موارد با هدف زیبایی به منظور ارتقای کیفیت ظاهری چشم است.

مفهوم شناسی

در این پژوهش نیز بسان دیگر پژوهش‌ها و کاوش‌های علمی در عرصه علوم انسانی، شناخت دقیق عناصر بیان‌کننده موضوع و دخیل در ادبیات تحقیق، و تعیین دقیق واژگان و بار مفهومی آنها جهت تبیین موضوع مورد بحث، ضروری می‌نماید. این ضرورت بویژه در موضوعات نوظهور که دارای واژگان مرتبط یا نزدیک به هم هستند، اهمیت بیشتری دارد. همچنین تبیین دقیق مفهوم واژه‌های به کار گرفته شده از منظر لغت و اصطلاح، سبب می‌شود که در هنگام به کارگیری و تعیین حکم آنها در مسیر حکم‌یابی فقهی، خطای کمتری صورت گیرد و از تفاوت برداشت پیشگیری شود.

۱. مفهوم بانک

«بانک»^۱ کلمه‌ای فرانسوی است که از واژه ایتالیایی «بانکا»^۲ به معنای میزی که روی آن چیزهایی می‌فروشند، مشتق شده است. (دهخدا، ج ۲، ص ۲۰۰۷) ابن منظور درباره معنای لغوی بانک که در لغت عرب به «البنک» خوانده می‌شود، چنین می‌نویسد: «بُنک به معنای اصل شیء است و برخی هم گفته‌اند که به معنای خالص شیء است». (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰۶) در کتاب تاج العروس نیز آمده است: «بُنک به معنای اصل [و ریشه] شیء است. از این رو گفته می‌شود: ایشان از بنک زمین هستند». (فیروز آبادی، تاج العروس، ج ۱۳، ص ۵۲۷) ابن فارس نیز کلمه مشتق «تَبَنَکَ بِالْمَكَانِ» را به معنای سکونت در آن مکان می‌داند. (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۰۶) این گونه معنا می‌کند: یعنی شما را به مکانی که در آن ساکن بودی پذیرفت.

موضوع شناسی فقهی
بانک چشم انسان

از عبارت‌های لغویان می‌توان دریافت که لفظ «بانک» در لغت، به معنای جایی است که شیء در آن اقامت می‌گزیند و ریشه می‌دواند، به گونه‌ای که در آن نوعی ثبات می‌یابد. پس به همین جهت است که مراکز ذخیره و نگهداری هر چیزی را «بانک» می‌نامند، مانند بانک پول، بانک شیر، بانک اسپرم و تخمک و.... در این پژوهش منظور از «بانک چشم» محلی است که بافت‌های دریافت شده از اهداکنندگان در آن به صورت استریل و فریز نگهداری می‌شود تا در زمان مراجعه افراد مورد استفاده قرار گیرد.

^۱. Banque

^۲. Banca

۲. مفهوم چشم

چشم عضوی از اندام‌های حسی در بدن انسان و حیوان است که به وسیله آن حس اختصاصی بینایی به وجود آمده است. چشم عضو بدن انسان و حیوان که با آن چیزها را می‌بیند و شکل و رنگ و حجم و فاصله اشیاء را در می‌یابد. (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۴۳۰) چشم . [چ / چ] (۱) معروفست که عرب «عین» گویند. آن جزء از بدن انسان و حیوان که بر بالای آن ابرو جا گرفته و آلت دیدنست. عضو آلی مدرک رنگها. عین و آلت ابصار و دیده و چشم که آلت ابصار باشد. (دهخدا، فرهنگ فارسی دهخدا، ج ۵، ص ۷۱۳۹) در زبان انگلیسی به چشم «Eye» گفته می‌شود.

۳. مفهوم بانک چشم

با بررسی های صورت گرفته دو تعریف از «بانک چشم» به دست می‌آید که عبارت است از :

- ۱ - مؤسسه غیرانتفاعی که از طریق آن چشمانی که بلافاصله پس از فوت از افراد گرفته می‌شود را ذخیره سازی و توزیع می‌کنند.
- ۲ - آزمایشگاهی که چشم های برداشته شده در آن به طرق مختلف آماده سازی و حفظ می‌شود. در این بانک فقط قرنیه و صلبیه از لایه‌های چشم حفظ می‌شود، زیرا این قسمت‌ها فقط در عمل پیوند استفاده می‌شوند نه بقیه لایه‌ها؛ بنابراین ممکن است گاهی اوقات این بانک را «بانک قرنیه» نامیده شود.

بانک های چشم دارای طیف گسترده ای از عملکردها و تخصص‌ها هستند. عملیات آن ممکن است بر اساس موارد زیر باشد:



بازیابی، ذخیره سازی، ارزیابی بافت، ارزیابی واجد شرایط بودن اهداکننده، پردازش و توزیع قطعات پیوند. در رابطه با تخصص خود، آنها ممکن است فقط با چشم، چشم و بافت کار کنند یا بخشی از یک سازمان تهیه اعضای بدن باشند. علاوه بر این، چندین مورد از این مؤسسات برای پیشرفت پزشکی فعالیت می-کنند و به عنوان مراکز تحقیقاتی در مورد مسائل مربوط به ذخیره سازی چشم و بازیابی بینایی فعالیت می کنند.

از نظر ساختاری، بانک های چشم باید دارای امکانات ارتباطی، دسترسی به تجهیزاتاتی مانند لامپ شکافی و هود جریان آرام، ابزار جراحی، امکانات استریلیزاسیون، آزمایشگاه سرولوژی، امکانات نگهداری و سیستم حمل و نقل مناسب باشند. تقسیم وظایف اساساً از طریق دو بخش انجام می شود: پزشکی و اداری.

بخش پزشکی توسط یک مدیر پزشکی که معمولاً یک جراح قرنیه با تجربه است و توسط متخصصان این منطقه که مسئول نظارت و انجام اقدامات فنی هستند هماهنگ می شود. از سوی دیگر بخش اداری توسط تیمی هماهنگ می-شود که مسئولیت اداره موسسه را بر عهده دارد. به طور خاص، بخش پزشکی جمع آوری بافت و ارزیابی، حفظ و توزیع آن را انجام می دهد. از سوی دیگر، دولت مسئول برنامه های آگاهی عمومی، تماس با دولت و آژانس های داوطلبانه و بهداشتی و جمع آوری کمک های مالی است.^۱

تاریخچه تاسیس بانک چشم

تاریخچه پیدایش بانک های چشم ارتباط مستقیمی با توسعه تکنیک های پیوند قرنیه و ذخیره سازی بافت دارد. پیوند قرنیه در اواخر قرن ۱۸ توسط گیوم

^۱ https://eyewiki.org/Eye_Banking#cite_note-9

پلیه دی کوئنگسی^۱ مفهوم سازی شد، اما بیش از ۱۰۰ سال طول کشید تا اولین پیوند در انسان توسط ادوارد زیرم^۲ در سال ۱۹۰۵ انجام شد. علی‌رغم پیشرفت‌ها، کسی که ایده‌آل‌سازی اولین بانک‌های چشم را ممکن کرد، ولادیمیر فیلاتوف بود که در دهه ۱۹۳۰، استفاده از قرنیه جسد انسان را در پیوندهایی که به خوبی انجام می‌شد، مستند و رایج کرد. چشم‌ها حداکثر تا چند ساعت پس از مرگ اهداکننده تخلیه شدند، زیرا قرنیه‌ها در جعبه‌های یخ در دمای ۴ درجه سانتی‌گراد نگهداری می‌شدند و در فاصله ۲۰ ساعت تا ۵۶ ساعت پس از مرگ مورد استفاده قرار می‌گرفتند. این روش امکان ذخیره سازی بافت های اهداکننده و ظهور اولین بانک های چشم را فراهم کرد.^۳

فقه و فقه

شماره سوم
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

بانک های چشم در دهه ۱۹۴۰، زمانی که دکتر آر. تاونلی پاتون^۴ اولین بانک چشم را در ایالات متحده افتتاح کرد - بانک چشم برای ترمیم بینایی، که در نیویورک در سال ۱۹۴۴ تأسیس شد، آغاز شد. روش‌های ذخیره‌سازی، در اصل، بسیار ابتدایی بودند و به بطری‌های شیشه‌ای کوچک که در آن چشم‌ها در شرایط رطوبت و دمای کنترل‌شده قرار داشتند، محدود می‌شد. برای حفظ اندوتلیوم قرنیه لازم بود که پیوند حداکثر تا ۴۸ ساعت پس از مرگ اهداکننده انجام شود. علاوه بر این، کنترل کیفیت تنها از ظاهر قرنیه و بلافاصله پس از مرگ، بدون اینکه کنترلی بر انتقال بیماری‌های عفونی احتمالی وجود داشته باشد، انجام می‌شد. (همان)

^۱ .Guillaume Pellier de Quengsy

^۲ .Eduard Zirm

^۳ . https://eyewiki.org/Eye_Banking#cite_note-9

^۴ .R. Townley Paton

در اوایل دهه ۱۹۷۰، مک کری^۱ و کافمن^۲ تکنیک‌های جدیدی را برای حفظ بافت‌های چشمی با هدف حفظ حیات اندوتلیوم قرنیه توسعه دادند. آنها از یک محیط کشت استاندارد با سطوح بسیار پایین و مکمل با عوامل کم‌آبی و آنتی‌بیوتیک استفاده کردند. این تکنیک امکان حفاظت از قرنیه را برای یک دوره ۷ تا ۱۰ روزه فراهم می‌کرد. در حال حاضر، تحقیقات جدید و پیشرفت‌ها در تکنیک‌های ذخیره‌سازی، به بافت اهدایی اجازه می‌دهد برای مدت طولانی‌تری زنده بماند. به عنوان مثال، در کشت اندام، قرنیه را می‌توان تا حدود ۵ هفته حفظ کرد. (همان)

بانک چشم در ایران

با افزایش تعداد مراکز درمانی و آموزشی و در نتیجه افزایش روزافزون نیاز به قرنیه در ایران، ایجاد بانک چشم ضروری می‌نمود تا این که در سال ۱۳۶۷ براساس فتوای حضرت امام و همت آقایان دکتر منافی، دکتر کلانتر معتمدی و دکتر سجادی و پشتیبانی آقای دکتر مرنندی وزیر وقت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بانک مرکزی چشم جمهوری اسلامی ایران تاسیس شد و از آن زمان تاکنون، رشد کمی و کیفی قابل توجهی داشته است.

آزمایشگاه بانک چشم مطابق برنامه IFEB ایجاد شده است و کارکنان آن علاوه بر آموزش‌های اولیه، آموزش‌های تکمیلی را در بانک چشم پراگ گذرانده‌اند و هم‌اکنون، جمع‌آوری، ارزیابی، آزمایش و توزیع قرنیه مطابق اصول بین‌المللی صورت می‌گیرد. بانک چشم مرکزی، تاکنون سه شعبه در شهرهای مختلف ایران دایر نموده است که علاوه بر تهران، به کلیه شهرهای ایران

^۱. McCarey

^۲. Kaufman

قرنیه ارسال می‌نماید. تاکنون بیست هزار مورد قرنیه به مراکز مختلف ارسال شده است.

بانک چشم، موسسه‌ای غیردولتی و غیرانتفاعی است و دارای هیات مدیره و هیات امنای متشکل از افراد حقیقی و حقوقی است. افراد حقوقی شامل معاونان آموزشی و سلامت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، رئیس سازمان پزشکی قانونی و نماینده ولی فقیه می‌باشند. مدیرعامل توسط اعضای هیات مدیره انتخاب می‌شود که یک نفر چشم پزشک آشنا به پیوند قرنیه و بیماری‌های آن است.

بانک چشم، قرنیه و اسکلرا را بین چشم‌پزشکانی که توان انجام پیوند قرنیه را داشته و گواهی مربوطه را به بانک چشم تسلیم نموده باشند، توزیع می‌نماید.

شماره سوم
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

قرنیه از افراد فوت شده‌ای که بیش از ۱۲-۶ ساعت از زمان مرگ آنها نگذشته باشد و فاقد هرگونه بیماری چشمی و یا بیماری‌های سیستمیک قابل انتقال به گیرنده باشند؛ جمع‌آوری می‌گردد زیرا کنترل کیفیت مساله بسیار مهمی در امور جاری بانک‌های چشم است.

ساختار چشم

ساختمان چشم از اجزای مختلفی تشکیل شده است که عبارت است از : ۱- ملتحمه؛ ۲- قرنیه؛ ۳- عنبیه؛ ۴- مردمک؛ ۵- عدسی؛ ۶- صلبیه؛ ۷- مشیمیه؛ ۸- شبکیه؛ ۹- زلالیه؛ ۱۰- زجاجیه؛ ۱۱- عصب بینایی؛ ۱۲- زاویه چشم .

علاوه بر اجزای اصلی چشم دارای اجزای فرعی نیز هست که عبارتند از: ۱- حدقه (کاسه چشم)؛ ۲- مجرای اشکی؛ ۳- کیسه اشکی؛ ۴- پلک؛ ۵- مژه؛ ۶- ابرو؛ ۷- ماهیچه‌های اطراف چشم.

چشم لایه‌های مهم مختلفی تشکیل شده است که مهمترین آنها عبارتند از :

اجزای اصلی

۱. ملتحمه

سطح چشم و سطح داخلی پلک ها با غشایی شفاف به نام ملتحمه پوشانده شده است. ملتحمه بافت شفافی است که قسمت سفید چشم و داخل پلک ها را می پوشاند. وظیفه اصلی ملتحمه این است که سطح داخلی پلک ها را مرطوب و روان نگه می دارد . همچنین باعث می شود بدون ایجاد سوزش، چشم ها به راحتی باز و بسته شوند. وظیفه دیگر ملتحمه محافظت از چشم در برابر گرد و غبار و میکرو ارگانیسم هایی است که می توانند باعث عفونت چشم شوند. به دلیل وجود رگ های خونی کوچک در ملتحمه، این عضو از چشم قادر است مواد مغذی مهمی را برای چشم و پلک ها فراهم سازد. ناخنک چشم در ملتحمه ایجاد می شود.

۲. قرنيه

یک لایه شفاف در جلو و مرکز چشم است. قرنيه درست در جلوی عنبیه قرار دارد که قسمت رنگی چشم است. عملکرد اصلی قرنيه شکست نور است. هدف اصلی قرنيه کمک به تمرکز نور هنگام ورود به چشم است. در صورت استفاده از لنزهای تماسی ، لنز تماسی روی قرنيه قرار می گیرد.

۳. عنبیه

قسمت رنگی چشم است که به تنظیم میزان ورود نور به چشم کمک می کند. همراه با مردمک چشم ، عنبیه مسئول تنظیم میزان نوری است که به چشم وارد

می‌شود. نور زیاد یا کم می‌تواند بینایی را مختل کند. عنبیه در صورت وجود نور زیاد باعث منقبض شدن و کوچک شدن مردمک می‌شود. همچنین در صورت وجود نور کم نیز باعث منبسط شدن و بزرگ تر شدن مردمک چشم می‌شود. انبساط و انقباض مردمک چشم یک عملکرد غیر ارادی است که توسط مغز کنترل می‌شود. عنبیه از بافت همبند و فیبرهای عضلات صاف ساخته شده است. مردمک در اصل یک سوراخ در مرکز عنبیه است. مردمک میزان نوری را که وارد چشم می‌شود کنترل می‌کند. اندازه مردمک توسط عضلات بازکننده و اسفنکتر عنبیه کنترل می‌شود. در محیط های روشن ، مردمک چشم منقبض می‌شود.

در حالی که در محیط های تاریک ، مردمک چشم گشاد می‌شود. منبسط و منقبض شدن مردمک در نور کم و زیاد ، جهت اطمینان از وجود نور کافی برای بینایی بدون آسیب رساندن به شبکیه چشم است.

۴. عدسی

یک ساختار شفاف دو طرفه در چشم است. عدسی همراه با قرنیه به شکست نور کمک می‌کند تا تصویر اجسام روی شبکیه متمرکز شود. با تغییر شکل ، فاصله کانونی چشم تغییر می‌کند تا بتواند روی اجسام در فواصل مختلف تمرکز کند. در نتیجه عدسی به فرد کمک می‌کند تا تصاویر واضحی از شی بر روی شبکیه ایجاد شود.

این عضو از چشم تقریباً مانند لنز یک دوربین عکاسی عمل می‌کند. لازم به ذکر است که بیماری آب مروارید (کاتاراکت) به علت کدر شدن عدسی ایجاد می‌شود.



۵. شبکیه (لایه داخلی)

داخلی ترین لایه ساختار کره چشم است. شبکیه دارای سلولهای خاصی به نام گیرنده های نوری است. گیرنده های نوری در شبکیه چشم شامل سلول های میله ای و مخروطی هستند.

سلول های میله ای نسبت به نور حساسیت بیشتری دارند ، اما توانایی درک رنگ را ندارند. در مقابل سلول های مخروطی موجود در چشم انسان دید رنگی دارند. شبکیه نور را به صورت تکانه های الکتریکی از طریق عصب بینایی به مغز می فرستد.

۶. ماکولا

ماکولا بخشی از شبکیه است که مسئول دید واضح در بینایی مستقیم فرد است. این بخش از چشم حاوی سلول های حساس به نور است. تحلیل ماکولای چشم (AMD) بیماری است که با افزایش سن در فرد ایجاد می شود. این بیماری عامل اصلی کاهش شدید و دائمی بینایی در افراد بالای ۶۰ سال است. این اتفاق زمانی می افتد که قسمت مرکزی کوچک شبکیه چشم شما ، به نام ماکولا ، دچار تغییرات خاص گشته و به تدریج تحلیل می رود.

۷. مشیمیه (لایه میانی)

لایه ای از بافت است که بین شبکیه و صلبیه قرار دارد و بیشتر از عروق خونی تشکیل شده است. مشیمیه اکسیژن و تغذیه لایه های خارجی شبکیه را فراهم می سازد.

سایر کارکردهای مشیمیه در ساختمان چشم انسان شامل : تامین مواد مغذی شبکیه چشم، ماکولا و عصب بینایی، تنظیم دمای شبکیه چشم و کمک به کنترل

فشار داخل چشم است. اغلب مواقع علت ایجاد ورم در شبکیه نشت مایع از عروق خونی لایه مشیمیه است.

۸. صلبیه (لایه خارجی)

صلبیه بیرونی ترین پوشش سفید رنگ محافظ کره چشم است. این عضو در مقایسه با ساختارهای ظریف داخلی کره چشم سخت تر و ضخیم تر است. قسمت سفید چشم که فرد هنگام مشاهده خود در آینه می بیند ، قسمت جلوی صلبیه است. صلبیه دیواره حمایتی کره چشم را تشکیل می دهد. صلبیه با لایه شفافی به نام ملتحمه پوشیده شده است.

۹. زلالیه

زلالیه مایع شفاف شبیه به پلاسما است. این ماده از ۹۹.۹٪ آب تشکیل شده است و ۰.۱٪ دیگر شامل قندها ، ویتامین ها ، پروتئین ها و سایر مواد مغذی است. این مایع قرنیه و عدسی را تغذیه می کند .

زلالیه فشار داخل چشم را کنترل می کند و در سطح ثابتی نگه می دارد. زلالیه به طور مداوم توسط جسم مژگانی که در اتاقک خلفی نزدیک عدسی چشم قرار دارد تولید می شود.

۱۰. زجاجیه

ماده شفاف و ژلاتینی است که حفره مرکزی چشم را پر می کند. زجاجیه یک ماده شفاف است که حدود ۹۵ درصد آن را آب تشکیل می دهد. ۵ درصد باقی مانده شامل کلاژن و اسید هیالورونیک است که باعث می شود زجاجیه حالت ژلاتینی داشته باشد.



شماره سوم
پاییز و زمستان

۱۴۰۳

زجاجیه باعث حفظ شکل کروی چشم می‌شود و شبکیه را به درستی به دیواره پشت چشم متصل می‌کند. نور در راه رسیدن به شبکیه از طریق زجاجیه عبور می‌کند. زجاجیه در سلامت ساختمان چشم نقش مهمی دارد. زجاجیه همان قسمتی است که به علت رشته رشته شدن اجزای پروتئینی آن مگس پران ایجاد می‌شود.

۱۱. عصب بینایی

عصب بینایی از سلول‌های گانگلیونی یا سلول‌های عصبی ساخته شده است که در پشت چشم قرار دارد. این عصب شامل بیش از یک میلیون رشته عصبی است که پیامهای بصری را از شبکیه به مغز منتقل می‌کند. گلوکوم (آب سیاه) یکی از شایع‌ترین بیماری‌هایی است که بر عصب بینایی تاثیر می‌گذارد.

۱۲. زاویه چشم

زاویه چشم، زاویه ای است که بین قرنیه و عنبیه قرار دارد. برخی از انواع بیماری گلوکوم (آب سیاه) به علت تنگی این زاویه اتفاق می‌افتد. در نتیجه مسیر خروجی زلالیه تنگ می‌شود و در نهایت فشار چشم بالا می‌رود. در این موارد با استفاده از لیزر سوراخی در عنبیه ایجاد می‌شود که این تنگی را برطرف می‌کند.

اجزای فرعی ساختمان چشم

۱. حدقه (کاسه چشم)

حدقه توسط استخوان گونه، پیشانی، شقیقه و کناره بینی شکل می‌گیرد. این عضو علاوه بر کره چشم، ماهیچه‌ها، عروق خونی، اعصاب و رگ‌ها را در

خود جای داده است. حلقه همچنین شامل بخش اعظمی از غده اشکی است که در زیر قسمت بیرونی پلک فوقانی قرار دارد. غده اشکی اشک تولید می‌کند که به مرطوب شدن چشم و همچنین دفع هرگونه ماده خارجی از چشم کمک می‌کند.

۲. پلک‌ها

بیرونی ترین قسمت های محافظ چشم هستند. پلک‌ها از چشم در برابر اجسام و مواد خارجی مانند گرد و غبار، خاک و سایر مواد زائد محافظت می‌کنند. وقتی پلک می‌زنید، پلک‌ها همچنین به پخش شدن اشک در سطح چشم کمک می‌کنند و چشم را مرطوب نگه می‌دارند.

۳. مژه‌ها

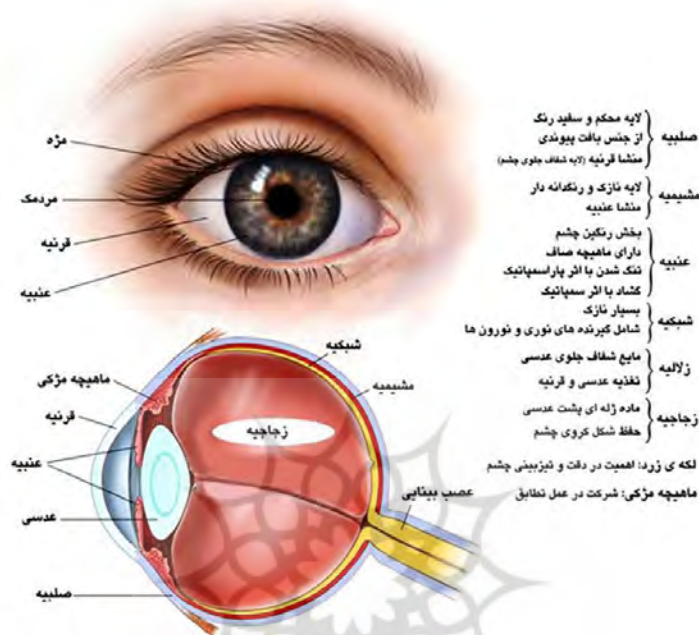
می‌توان مژه‌ها را به عنوان دروازه بان چشم در نظر گرفت. زیرا وظیفه اصلی مژه‌ها حفاظت از چشم در برابر ورود گرد و غبار، خاک و جلوگیری از ورود اجسام خارجی به چشم است. مژه‌ها نقش مهمی در عملکرد مناسب چشم دارند.

۴. ماهیچه‌های چشم

در ساختمان چشم دو نوع ماهیچه وجود دارد: ماهیچه‌های خارجی و داخلی. ماهیچه‌های خارجی چشم شامل شش ماهیچه هستند که حرکات چشم (حرکت در همه جهات بینایی) را کنترل می‌کنند. ماهیچه‌های داخلی نیز تمرکز و میزان ورود نور به چشم را کنترل می‌کنند. (آناتومی گری برای دانشجویان ۲۰۲۰،



ترجمه دکتر مهدی مهدی زاده و دیگران، صص ۱۱۶-۱۴۷ و بافت شناسی جان کوئیرا ۲۰۲۱، ترجمه دکتر ملیحه نوبخت و دیگران، صص ۶۵۳-۶۷۷)^۱



موضوع شناسی فقهی
بانک چشم انسان

روش جمع آوری بافت چشم

نکته قابل توجه این که قرنیه مورد نیاز متقاضیان پیوند از دو راه به دست می آید.

۱- از بدن انسانی که از دنیا رفته است.

۲- از حیواناتی مانند شترمرغ کانادایی و خوک.

در صورتی که در معاینه فیزیکی جسد و چشم ها و نیز بررسی پرونده بالینی و مشخص شدن علت قطعی فوت، مشکلی وجود نداشته باشد؛ گلوب با

^۱ Snell & Clinical Anatomy by Regions, ۱۰th Edition, P1567 And Atlas-of-Human-Anatomy-Netter-7th-edition, plate 94.

شرایط استریل از بدن جدا می‌شود و پس از شستشو با حداقل ۲۵۰ میلی‌لیتر محلول نمکی استریل و نیز محلول‌های آنتی بیوتیکی که موجب کاهش فلور میکروبی سطح گلوب میگردند، گلوب به همراه ۵ میلی‌لیتر از خون دهنده، به بانک چشم ارسال می‌شود.

نمونه سرم دهنده مورد آزمایش‌های سرولوژی از نظر Ag-HBs، Ab-HCV، HIV و HTLV قرار می‌گیرد و در صورت مثبت بودن آزمایش، گلوب مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

در موارد مثبت بودن آزمایش HIV، جهت تایید مجدد، نمونه سرم به بانک خون ارسال می‌شود و در صورت تایید، مراتب به اداره کل بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت و درمان منعکس می‌گردد.

تاکنون ۴ مورد پیدایش آندوفتالمیت پس از پیوند قرنیه به بانک چشم گزارش شده است که معلوم نیست عامل عفونت از دهنده به گیرنده منتقل شده است و یا گیرنده، مستعد پیدایش عفونت بوده است. همچنین دو مورد هاری نیز منتقل شده است.

در صورت منفی بودن آزمایش‌های فوق، قرنیه مورد بررسی قرار می‌گیرد و با در نظر گرفتن لایه‌های مختلف آن، به پنج درجه شامل کیفیت عالی، خیلی خوب، خوب، نسبتاً خوب و نامناسب برای پیوند تقسیم می‌شود. قرنیه به صورت گلوب کامل یا جداشده آن که در محلول‌های نگه‌دارنده قرار داده می‌شود، به مراکز مصرف ارسال می‌شود.

شیوه ذخیره سازی و ارسال چشم (قرنیه)

پس از جمع آوری و آماده سازی بافت‌ها؛ تا فرا رسیدن زمان مصرف آن‌ها را به دو روش ذخیره می‌نمایند. این دو روش عبارت است از:



۱. ذخیره در ظرف مرطوب^۱: هرچند امروزه قرنیه بیشتر به صورت جداشده و نگهداری شده در محلول‌های نگه‌دارنده مصرف می‌شود ولی روش مصرف به صورت نگهداری در ظرف مرطوب را نباید فراموش کرد. اگر time recovery donor از ۵-۴ ساعت تجاوز نکند، می‌توان قرنیه را تا ۷۲-۴۸ ساعت هم نگه داشت و سپس مصرف نمود.

۲. محیط ذخیره‌سازی^۲: شامل محیط کشت بافتی است که به آن آنتی بیوتیک، بافر بیکربنات و دکستران اضافه شده است و قرنیه به راحتی به مدت ۷ روز در آن قابل نگهداری است.

لازم به ذکر است که قرنیه نگه‌داری شده در ظرف مرطوب تا مدت ۴۸ ساعت، تفاوتی با قرنیه نگه‌داری شده در محلول‌های نگه‌دارنده ندارد.

همراه با قرنیه ارسال شده، فرم مشخصات آن نیز ارسال می‌شود و جراح پس از انجام عمل جراحی، خلاصه‌ای از شرح عمل به همراه شماره سریال قرنیه مصرفی را جهت نگهداری در بایگانی، به بانک چشم ارسال می‌نماید. بدیهی است پزشکان مکلفند وضعیت قرنیه هنگام مصرف و عارضه احتمالی پس از عمل، به ویژه پیدایش آندوفتالمیت را به بانک چشم گزارش کنند.

متعلقات حکمی و احکام شرعی بانک چشم

با توجه به نکات و مباحث مطرح شده در موضوع شناسی بانک چشم مواردی که مستقیم با بانک ذخیره سازی چشم باید توسط فقیه با توجه به موضوع شناسی انجام شده حکم صادر گردد موارد ذیل است:

^۱. Storage Chamber Moist

^۲. Media Storage

الف) برای کسب اجازه از بازماندگان متوفی جهت برداشتن قرنیه در موارد اورژانسی که امکان دسترسی به بازماندگان مشکل است، ممکن است زمان مفید جهت حفظ کیفیت قرنیه از دست برود حال با این وجود حکم ذخیره سازی چشم میت متوفی بدون اذن بازماندگان چیست؟

ب) درخواست‌های فراوانی جهت ارسال قرنیه به کشورهای اسلامی وجود دارد ولی در حال حاضر تنها در کشور یمن و امارات، آن هم توسط بیمارستان‌های هلال احمر، عمل پیوند قرنیه انجام می‌شود که قرنیه آن از ایران تهیه می‌گردد. با این توضیح حکم فقهی پیوند اجزاء میت مسلمان به غیر مسلمان و صادرات آن چه حکمی دارد؟

ج) حکم فقهی پیوند چشم از انسان مرگ مغزی شده و همچنین پیوند چشم حیوان (چه حلال گوشت و چه حرام گوشت) و ذخیره سازی آن چیست؟

ابواب فقهی مرتبط با بانک چشم

ابواب فقهی بحث شده درباره چشم عبارتند از:

الف) وضو : شستن داخل چشم در وضو واجب نیست؛ (سید یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۵۵) باز بودن چشم هنگام شستن صورت در وضو مستحب است. (سید یزدی، همان، ج ۱، ص ۳۵۲)

ب) صلاه: کسی که خوابیده نماز می‌خواند و نیز کسی که از به جا آوردن رکوع و سجود ناتوان است بنابر مشهور باید با سر اشاره کند و با عدم امکان اشاره با سر، با بستن و باز کردن چشم، رکوع و سجود را به جا می‌آورد؛ بدین صورت که به قصد رکوع یا سجود، چشمهای خود را می‌بندد و به قصد بلند شدن از آن، آنها را باز می‌کند. (بحرانی، الحقائق الناضرة، ج ۸، ص ۷۹-۸۰؛ طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۳، ص ۳۷۶).



ج) میت: بستن چشمهای میت پس از مرگ، مستحب (نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۳) و قرار دادن کافور در چشم او مکروه است. (همان، ج ۴، ص ۲۴۷)
د) روزه: دارو ریختن در چشم و نیز سرمه کشیدن آن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد در حال روزه مکروه است. (یزدی، العروة الوثقی، ج ۳، ص ۵۸۸)

ه) حج: قربانی در حج باید تام باشد و قربانی ناقص، مانند حیوان یک چشم کفایت نمی‌کند. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۳۹)

و) اطعمه و اشربه: بنابر قول منسوب به مشهور، خوردن حدقه (سیاهی) چشم حیوان حلال گوشت حرام است. برخی، آن را مکروه می‌دانند. (نجفی یزدی، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۴۸-۳۴۹؛ علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۳-۳۱۵)

ز) قصاص: قصاص در چشم ثابت است و با مساوی بودن محل، قصاص می‌گیرد؛ پس چشم راست به چپ و همچنین برعکس درآورده نمی‌شود. و اگر جانی، اعور (یک چشم) باشد از او قصاص گرفته می‌شود اگرچه کور شود؛ زیرا حق او را کور کرده است. و چیزی به او رد نمی‌شود ولو اینکه دیه آن دیه نفس باشد - در صورتی که در خلقت یا به آفتی از خدای متعال، اعور شده باشد - و بین اینکه از خلقت یا با جنایت یا با آفت یا با قصاص اعور شده باشد، فرق نمی‌کند. و اگر اعوری، چشم سالم اعوری را دریاورد از او قصاص گرفته می‌شود. (امام خمینی، موسوعة الامام الخميني، ج ۲۳، امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۸۲) پس اگر کسی به عمد، چشم دیگری را از بین ببرد، مجنی علیه حق قصاص دارد و می‌تواند چشم جانی را از بین ببرد، هر چند جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و با قصاص آن کور گردد. (نجفی یزدی، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۳۶۷)

ک) دیات: دیه دو چشم، دیه کامل و دیه یک چشم نصف آن است. (همان، ج ۴۳، ص ۱۸۱)

در این ابواب فقهی بحث از چشم بیان شده است ولی ابوابی که با موضوع شناسی بانک چشم ارتباط دارد عبارتند از:

۱. پیوند اعضا

۲. قصاص

۳. دیات

در پاسخ گویی به مسائل فقهی بانک چشم و مسائل مربوط به پیوند قرنیه توجه به برخی نکات دارای اهمیت است.

فقه و فقه

شماره سوم
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

نکته مهمی که توجه به آن ضرورت دارد، مستحدثه و نوپیدا بودن موضوع پیوند و به ویژه بحث پیوند قرنیه است. همین امر سبب گردیده است تا در منابع و متون گذشتگان سخنی از آن به میان نیاید. بنابراین تنها راه رسیدن به حکم پیوند قرنیه چشم مراجعه به استفتائات مراجع بزرگوار تقلید معاصر و دریافت نظر ایشان در این موضوع نوپیدا است.

یکی از مسائلی که به صورت عمومی در مباحث مربوط به پیوند اعضا مورد توجه دانشیان فقه قرار گرفته است مسأله جواز تشریح و مبادرت به برداشت اعضا - به ویژه در مورد قرنیه که تنها از بدن اموات تهیه می گردد - از بدن متوفی است.

دیدگاه فقیهان در مورد پیوند چشم

اولین سؤالی که در زمینه پیوند قرنیه و بحث بانک چشم پاسخ به آن ضروری می نماید مسئله حکم برداشتن قرنیه از بدن اموات و پیوند آن است.

درباره برداشتن عضو از بدن اموات سه دیدگاه مطرح شده است: ۱- حرمت مطلق، ۲- جواز مطلق ۳- تفصیل میان مسلمان و غیر مسلمان. (خمینی، تحریر العروة الوثقی، ۸۳)

برخی از علما با استناد به حرمت مثله کردن اجساد مردگان، (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۹-۳۰، حر عاملی، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، ص ۵۸ و ۵۹). برداشت عضو از بدن میت را مطلقاً چه مسلمان و چه کافر حرام دانسته اند. (المسائل المستحدثة، ص ۱۵۳) برخی از فقها برای حکم به جواز مطلق، دلایلی ذکر کرده اند؛ هرچند این دلایل را به صورت مستقل ارائه نکرده اند، بلکه به دنبال رد و نقد ادله قائلان به ممنوعیت مطلق بوده اند؛ از این رو معتقدند به مجرد برداشتن اعضای بدن میت با انگیزه یا اهداف عقلایی مانند پیوند، مثله کردن صدق نمی کند، بلکه اگر به هدف عذاب یا عبرت دیگران باشد، مثله کردن صادق است. (مؤمن، کلمات سدیة فی مسائل جدیدة، ۱۳۱-۱۳۳) برخی نیز در نقد استدلال به ممنوعیت هتک جسد مسلمان جهت پیوند اعضا بر این باورند که برداشت عرف از قطع عضو جسد مسلمان برای پیوند به دیگری در این زمان عوض شده و نه تنها هتک حساب نمی شود، بلکه اقدامی انسانی به شمار می رود. سید حسینی، خرید و فروش و پیوند اعضا، ۲۰۷-۲۰۸)

دیدگاه سوم تفصیل میان متوفای مسلمان و غیر مسلمان است. این دیدگاه بیشتر میان متأخران پذیرفته شده است. (سبزواری، مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۲۹، ص ۳۳۶؛ بحرانی، کلمة التقوی، ج ۴، ص ۴۶۴؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۶۰؛ حلی، بحوث فقهیه، ج ۱، ص ۳۲۸) امام خمینی معتقد است برداشتن عضو از بدن غیر مسلمان جایز است، چه نجات جان مسلمانی به این عضو بستگی داشته باشد یا نه. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۹۵) برخی از فقها نداشتن احترام کافر در زمان حیات و بنا بر اولویت پس از مرگ را

دلیل بر جواز دانسته‌اند و معتقدند اهل ذمه نیز تنها در زمان حیات خود محترم هستند و بعد مرگ از حکم ذمه خارج می‌شوند. (سبزواری، همان، ج ۲۹، ص ۳۳۶). امام خمینی برداشتن عضو را از بدن مسلمان برای پیوند به دیگری، در غیر موارد ضرورت جایز نمی‌داند. (امام خمینی، همان، ج ۲، ص ۵۹۴) پاره‌ای از فقهاء دلیل عدم جواز را این دانسته‌اند که قطع عضو از میت مسلمان جنایت به‌شمار می‌رود. (سبزواری، همان، ج ۲، ص ۳۳۶؛ حلی، بحوث فقهیه، ص ۳۲۸) علاوه بر اینکه هتک حرمت به او نیز به‌شمار می‌رود. (حلی، همان، ص ۳۲۸) امام خمینی در فرض ضرورت، در پاسخ به پرسش از حکم پیوند اعضا، فرقی میان مسلمان و غیر مسلمان نگذاشته و به‌طور مطلق نظر داده اگر پیوند موجب نجات از مرگ بشود، از نظر شرع مانعی وجود ندارد و می‌توان عضوی از بدن دیگری را جدا کرد و به او پیوند زد. (امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۱۴) برخی دیگر نیز در هنگام ضرورت مانند حفظ جان دیگری، برداشتن عضو از بدن مرده و پیوند آن را جایز دانسته‌اند. (روحانی، المسائل المستحدثه، ۱۵۶-۱۶۴؛ مؤمن، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ۱۳۵-۱۳۶)

برای درک بهتر حکم فقهی نگهداری و ذخیره سازی چشم در بانک‌ها توجه به معیارهایی که فقهاء برای جواز و حرمت آن بیان نموده‌اند، مهم و ضروری است. برخی از ادله طرفداران منع پیوند قرنیه عبارتند از:

۱- حرمت مثله کردن اموات

یکی از دلایلی که ممکن است برای ممنوعیت پیوند قرنیه و خارج کردن اعضای بدن اموات بیان شود، دلیل حرمت مثله کردن اموات است. «مثله کردن» در لغت به معنای عذاب دردناکی یا شکنجه‌ای است که با انجام آن بر روی فردی، دیگران نیز عبرت گیرند. (سعدی، القاموس الفقهی لغة و



اصطلاحاً، ص ۳۳۷) در اصطلاح به معنای قطع کردن جزئی از عضو یا خود آن، از بدن حیوان زنده است.^۱ توضیح اینکه یکی از رفتارهایی که در زمان جاهلیت پس از جنگ از جانب طرف پیروز نبرد رخ می‌داد حمله به پیکر کشته شدگان سپاه مقابل و مثله کردن و قطعه قطعه کردن بدن آنان بود که به منظور ابراز حس انتقام جویی و بی‌احترامی به کشتگان انجام می‌شد.

با توجه به روایات در این زمینه فقهاء به حرمت برداشت و قطع عضو به منظور پیوند آن استدلال کرده‌اند. در این باره به روایت‌های متعددی استناد شده است که به عنوان نمونه به برخی از این روایت‌ها اشاره می‌کنیم.

روایت اول

«وعنه (محمد بن یعقوب) عن علی بن ابراهیم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن النبي (صلى الله عليه وآله) كان إذا بعث أميراً له على سرية أمره بتقوى الله عز وجل في خاصة نفسه ثم في أصحابه عامة ثم يقول: اغز بسم الله وفي سبيل الله، قاتلوا من كفر بالله، لا تغدروا ولا تغلوا ولا تمثلوا ولا تقتلوا وليداً». (کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۴۱۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که می‌خواستند فرمانده‌ای را به جنگ گسیل نمایند، ابتدا وی را به صورت ویژه و همراهان او را به صورت عمومی به تقوای الهی دستور می‌داد. سپس می‌فرمود: «به نام خدا و در راه خدا جنگ کن و به مبارزه با کسانی که به خداوند کفر ورزیده‌اند پرداز. در پیکار با آنان از حيله و نیرنگ پرهیز و از مثله کردن و کشتن کودکان خودداری نما.

روایت دوم

امام علی علیه السلام از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مورد مثله کردن دیگران چنین روایت می‌کند: « فَأِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِيَّاكُمْ وَالْمُثْلَةَ وَ لَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ ». (صبحی صالح، نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۲۲).

در این روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: « از مثله کردن بهره‌زید حتی اگر سگ هار باشد ».

مدعا: برداشت قرنیه از بدن اموات با مثله کردن آنان ملازمه دارد و چون مثله کردن حرام است پس برداشت قرنیه نیز که مستلزم برش و شکاف چشم میت است حرام است.

در مورد استدلال به این روایات با قطع نظر از صحت سندی و دلالت آن بر مدعا یعنی حرمت مثله کردن، می‌توان چنین پاسخ داد که موضوع مثله کردن همان طور که در معنای اصطلاحی بیان گردید، قطعه قطعه کردن بدن اموات به منظور بی‌احترامی و تشفی خاطر و تعذیب حرام است، اما اگر به منظور پیوند عضو و حل بیماری افراد جامعه باشد دیگر بی‌احترامی به اموات به شمار نمی‌رود. (درس مسائل مستحدثه آیت‌الله مکارم ۵ تیرماه سال ۱۳۷۳) و چه بسا پیوند اعضای فردی پس از مرگ باعث تمجید و تکریم جایگاه او در جامعه نیز باشد.

۲- حرمت هتک و بی‌احترامی به میت

دلیل دیگری که ممکن است برای حرمت برداشتن عضو از افراد متوفی بدان استناد شود، این است که بریدن و باز کردن بدن اموات و برداشتن اعضاء، بی‌احترامی و هتک حرمت به اوست. و حفظ حرمت میت و پرهیز از بی‌احترامی و هتک به او واجب و ارتکاب آن حرام و ممنوع است. در روایات بسیاری بر رعایت حرمت میت مسلمان و خودداری از بی‌احترامی و هتک به او تاکید شده است.



شماره سوم
پاییز و زمستان

۱۴۰۳

روایت اول

در روایتی چنین آمده است: حسین بن خالد می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: ما روایتی از امام صادق علیه السلام را روایت می‌کنیم که دوست دارم آن را از شما نیز بشنوم. حضرت فرمود: آن روایت چیست؟ گفتم به من چنین رسیده است که امام صادق علیه السلام در مورد فردی که سر مرد مرده مسلمانی را قطع کرد؛ گفت: رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «خداوند حرام کرده است از میت مسلمان هر آنچه را که در زمان حیات وی حرام بود. بنابر این اگر انجام چنین عملی در زمان زنده بودن فرد موجب مرگش می‌شد دیه بر او واجب است». امام علیه السلام امام صادق علیه السلام راست گفته و رسول خدا ﷺ چنین فرموده است. (الاستبصار، ج ۴، ص ۲۹۸)

موضوع شناسی فقهی
بانک چشم انسان

در این روایت آمده است: هر عملی اگر در زمان حیات فردی انجامش بر روی او حرام بود و دیه داشت در زمان مردنش نیز انجامش بر روی او حرام است و دیه دارد. و این بدان معنا است که خداوند همان احترام و حرمتی را که برای مسلمان در نظر گرفته است برای بعد از مرگ وی نیز آن را لحاظ فرموده است.

روایت دوم

در روایت دیگری آمده است:

محمد بن یعقوب، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن ابن أبی عمیر، عن جمیل، عن غیر واحد من أصحابنا، عن أبی عبد الله علیه السلام أنه قال: «قطع رأس الميت أشد من قطع رأس الحي». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۴۹) بریدن سر میت از بریدن سر فرد زنده بدتر است.

علاوه بر صحت سندی این روایت، توجه به تعداد روایات در زمینه وجوب حفظ حرمت میت مسلمان ما را از بررسی سندی آن بی‌نیاز می‌سازد. دلالت این روایات بر وجوب حفظ حرمت میت مسلمان و پرهیز از هتک به آن تمام است. اما از جهت صغروی می‌توان بر استدلال به این روایات در مسئله پیوند اشکال نمود، چرا که موضوع روایات منع از هتک حرمت، تحقق بی-احترامی و هتک حرمت میت مسلمان است. اما آیا پیوند عضو و استفاده از اعضای متوفی نیز هتک حرمت به او به شمار می‌آید. نگاه و دید عرف به برداشت عضو و پیوند آن به فرد دیگر به عنوان هتک حرمت و بی‌احترامی به میت جای تأمل دارد و در نظر ایشان کسانی که رضایت بر اهدای اعضای بدن خویش یا بستگانشان می‌دهند مورد تحسین قرار گرفته و این عمل ایشان را نه تنها هتک حرمت بر میت ندانسته بلکه آن را عاملی برای سودمندی اخروی وی نیز به شمار می‌آورند.



شماره سوم
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

۳- وجوب ردّ دیه

یکی دیگر از دلایلی که ممکن است برای منع برداشت اعضاء به ویژه چشم یا قرنیه، از جسد مسلمان مطرح شود، بحث وجوب ردّ دیه در صورت جرح و جنایت بر جنازه میت است که برخی گفته‌اند وجوب پرداخت دیه، دلالت التزامی بر حرمت جنایت بر میت دارد. توضیح بیشتر این که در روایات فراوانی برای قطع اعضاء جسد مردگان، دیه تعیین شده است و دیه در جایی مطرح می‌شود که فرد عمل حرامی را مرتکب شده باشد؛ پس در اینجا نیز فردی که چشم یا قرنیه و یا عضو دیگری از میت را جدا کرده به جهت آن که کار حرامی مرتکب شده است باید دیه بپردازد.

برخی از این روایت عبارتند از:

روایت اول

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّبَّاحِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ أَنَّ الْمَنْصُورَ سَأَلَهُ عَنْ رَجُلٍ قَطَعَ رَأْسَ رَجُلٍ بَعْدَ مَوْتِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): « عَلَيْهِ مِائَةُ دِينَارٍ فَقِيلَ كَيْفَ صَارَ عَلَيْهِ مِائَةُ دِينَارٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي النَّطْفَةِ عَشْرُونَ وَ فِي الْعَلَقَةِ عَشْرُونَ وَ فِي الْمُضْغَةِ عَشْرُونَ وَ فِي الْعَظْمِ عَشْرُونَ وَ فِي اللَّحْمِ عَشْرُونَ ثُمَّ أَنْشَأَنَاهُ خَلْقًا آخَرَ وَ هَذَا هُوَ مِيتًا بِمَنْزِلَتِهِ قَبْلَ أَنْ تُنْفَخَ فِيهِ الرُّوحُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ جَنِينًا فَسَأَلَهُ الدَّرَاهِمُ لِمَنْ هِيَ لَوَرَّتْهُ أَمْ لَا فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) لَيْسَ لَوَرَّتْهُ فِيهَا شَيْءٌ إِنَّمَا هَذَا شَيْءٌ أَتَى إِلَيْهِ فِي بَدَنِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ يُحْجُّ بِهَا عَنْهُ أَوْ يَتَصَدَّقُ بِهَا عَنْهُ أَوْ تَصِيرُ فِي سَبِيلٍ مِنْ سَبِيلِ الْخَيْرِ الْحَدِيثُ ». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۳۲۴).

در این روایت منصور عباسی از امام صادق علیه السلام در مورد (حکم فقهی) مردی که سر فرد مرده‌ای را از بدنش جدا ساخته است می‌پرسد؛ امام علیه السلام در پاسخ او فرمود: « باید ۱۰۰ دینار بپردازد، ... این مرده بسان جنین انسان قبل از دمیده شدن روح است همان گونه که دیه او ۱۰۰ دینار است دیه جنایت بر میت هم ۱۰۰ دینار است ».

استدلال بر این روایت بر ملازمه میان حرمت و وجوب پرداخت دیه استوار است؛ یعنی هر جا دیه واجب شد حتماً فعل حرامی انجام شده است. این دلیل را نیز می‌توان چنین پاسخ داد که در همه موارد وجوب دیه حرمت نیست. در قتل خطایی با وجود این که فرد فعل حرامی مرتکب نشده است اما ملزم به پرداخت دیه می‌شود. بنابر این ادعای ملازمه میان وجوب دیه و حرمت فعل باعث دیه ممنوع است.

روایت دوم

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ :
 «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ قَطَعَ رَأْسَ رَجُلٍ مَيِّتٍ؟ فَقَالَ: «إِنَّ
 اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - حَرَّمَ مِنْهُ مَيِّتًا كَمَا حَرَّمَ مِنْهُ حَيًّا، فَمَنْ فَعَلَ بِمَيِّتٍ فَعَلًا يَكُونُ
 فِي مِثْلِهِ اجْتِيَا حُ نَفْسِ الْحَيِّ، فَعَلَيْهِ الدِّيَّةُ». فَسَأَلْتُ عَنْ ذَلِكَ أَبَا
 الْحَسَنِ (عليه السلام)، فَقَالَ: صَدَقَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)، هَكَذَا قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). قُلْتُ: فَمَنْ قَطَعَ رَأْسَ مَيِّتٍ، أَوْ شَقَّ بَطْنَهُ، أَوْ فَعَلَ بِهِ مَا
 يَكُونُ فِيهِ اجْتِيَا حُ نَفْسِ الْحَيِّ، فَعَلَيْهِ دِيَّةُ النَّفْسِ كَامِلَةٌ؟ فَقَالَ: لَا، وَلَكِنْ دِيَّةُ دِيَّةِ
 الْجَنِينِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ قَبْلَ أَنْ تُنْشَأَ فِيهِ الرُّوحُ، وَ ذَلِكَ مِائَةُ دِينَارٍ، وَ هِيَ لَوْرَثَتِهِ، وَ
 دِيَّةُ هَذَا هِيَ لَهُ، لِللَّوْرَثَةِ». (شيخ طوسی، الاستبصار، ج ۴، ص ۲۹۸)

در دلیل حرمت هتک و بی احترامی بیان شد، سند روایت ضعیف است.

در این روایت امام در مورد کسی که سر مرده‌ای را قطع کرده است می‌فرماید:
 دیه بر او واجب است.

روایت سوم

عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي
 جَمِيلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ «قُلْتُ مَيِّتٌ قُطِعَ رَأْسُهُ قَالَ
 عَلَيْهِ الدِّيَّةُ قُلْتُ فَمَنْ يَأْخُذُ دِيَّتَهُ قَالَ الْإِمَامُ هَذَا لِلَّهِ وَ إِنْ قُطِعَتْ يَمِينُهُ أَوْ شَيْءٌ
 مِنْ جَوَارِحِهِ فَعَلَيْهِ الْأَرْضُ لِلْإِمَامِ». (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۳۲۷)

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: از ایشان در مورد مرده‌ای که
 سرش را قطع کرده‌اند سؤال کردم. امام علیه السلام فرمودند: کسی که آن را قطع کرده
 است باید دیه بپردازد. پرسیدم دیه را چه کسی دریافت می‌کند؟ فرمودند: امام،

زیرا این دیه برای خداوند است، و اگر دست راست یا بعضی دیگر از اعضای او قطع شود پرداخت ارش واجب است که آن هم از آن امام است. فراز اول روایت در مورد قطع سر مرده است اما فراز دوم این روایت در مورد سایر اعضای میت حکم به پرداخت ارش می‌دهد.

از آنجا که وجوب دیه دلالت بر حرمت فعل موجب دیه دارد پس چون در این روایات که در مورد قطع سر مرده است حکم به دیه شد است دانسته می‌شود که قطع سر او حرام بوده پس انجام هر فعلی بر روی میت که مستلزم دیه باشد حرام است.

به هر جهت ملازمه میان تعیین دیه و حرمت عمل وجود ندارد و به صرف دیه داشتن عملی نمی‌توان گفت که آن عمل حرام است به عنوان نمونه در مورد قتل خطایی با وجود این که از روی خطا و بدون عمد قتل رخ داده است و قطعاً مکلف فعل حرامی مرتکب نشده است ولی حکم به پرداخت دیه شده است. بنابر این اگر چه این روایت دلالت بر وجوب پرداخت دیه در صورت جنایت بر میت دارد اما از آن نمی‌توان حرمت هر نوع قطع عضو و برداشتن عضو را نتیجه گرفت.

در صورتی که این دلیل مورد پذیرش قرار گیرد تنها بر حرمت برداشتن عضو از میت مسلمان دارد اما در مورد میت کافر، دلالت بر حرمت ندارد.

۴- قیاس اولویت

دلیل چهارمی که برای حرمت باز کردن و برداشتن اعضای از جسد مسلمان برای پیوند ممکن است ارائه شود، استفاده از قیاس اولویت است. توضیح این که در بسیاری از روایات از کوچکترین تعرض نسبت به جسد مانند تراشیدن موی سر، گرفتن ناخن و... منع شده است، پس به طریق اولی

بریدن و باز کردن جسد برای برداشتن اعضا، که مستلزم قطع عضو و تکه کردن جسد است ممنوع بوده و حکم به حرمتش می‌شود.
برای نمونه برخی از این روایات ذکر می‌شود:

روایت اول

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: «لَا يُمَسُّ مِنَ الْمَيِّتِ شَعْرٌ وَلَا ظُفْرٌ وَلَا إِنْ سَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ فَاجْعَلْهُ فِي كَفَنِهِ». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۰۰، ح ۲۷۴۸)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به مو و ناخن میت دست زده نشود و اگر چیزی (مو، ناخن و...) از آن جدا شد آن را در کفن وی قرار دهید.

روایت دوم

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكِنْدِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمِيِّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الْمَيِّتِ يَكُونُ عَلَيْهِ الشَّعْرُ، فَيُحْلَقُ عَنْهُ، أَوْ يُقْلَمُ؟ قَالَ: «لَا يُمَسُّ مِنْهُ شَيْءٌ، اغْسِلْهُ وَادْفِنْهُ». (حر عاملی، همان، ج ۲، ص ۵۰۰، ح ۲۷۵۰)

راوی از امام صادق علیه السلام درباره تراشیدن موی جسد یا کوتاه کردن ناخن آن سوال می‌کند و امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: «چیزی از بدن میت را مس نکن، او را غسل بده و دفن کن».

در این روایات لزوم رعایت احترام میت بعد از مرگش به اندازه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است که حتی از جدا کردن مو، ناخن و... نهی شده است. وقتی از جدا کردن مو و ناخن از جسد فرد نهی شده است پس قطع عضو و برداشتن



شماره سوم
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

اعضاء از جسد میت که مستلزم بریدن و شکافتن بدن او است به طریق اولی ممنوع و حرام خواهد بود.

۵- وجوب دفن میت

یکی دیگر از ادله حرمت برداشت و نگهداری قرنیه چشم در بانک چشم، وجوب دفن میت و حرمت تأخیر در دفن آن است.

یکی از واجبات درگذشت مسلمین، دفن است. (نجفی یزدی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۸۹) مراد از دفن پنهان نمودن پیکر میت مسلمان در زمین است به نهجوی که از گزند و آسیب درندگان در امان باشد. (سید یزدی، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۱۳) این حکم سایر اجزای بدن میت که از آن جدا شده مانند مو، دندان و ناخن را نیز شامل می شود. (سید یزدی، همان، ج ۲، ص ۱۱۷)

در استدلال به این دلیل می توان گفت: از آن جا که دفن جنازه میت مسلمان و اجزاء جدا شده از آن واجب است، جدا کردن قرنیه چشم و نگهداری آن در بانک چشم از آن جهت که با وجوب دفن تعارض دارد، حرام است.

اما در پاسخ به این استدلال نیز می توان گفت که این حکم در حالت غیر اضطراری و جایی است که ضرورت و مصلحتی بر دفن نکردن آن مترتب نباشد، اما در جایی که زندگی و حفظ کارکرد اعضای بدن فرد مسلمان - که در عبارات فقهاء از آن تعبیر به ضرورت شده است - منوط به جداسازی و نگهداری آن باشد دیگر دفن وجوب ندارد. موید این مطلب نیز روایتی است که از امام رضا علیه السلام در این زمینه آمده است که دلیل وجوب دفن را چنین بیان می فرماید: «دفن میت از آن جهت واجب است که آثار فساد جسد از قبیل فساد جسد، زشت شدن چهره وی و ترشح بوی بد از آن موجب اذیت دیگران نشود و هجوم آفت و درندگان بر آن موجب ناراحتی دوستان و سرزنش آنان توسط دشمنان نشود».

حر عاملی، وسائل الشیعه؛ ج ۳، ص: ۱۴۱، باب ۱، أبواب الدفن، ح ۱) با توجه به تعلیلی که در روایت بیان شده می‌توان گفت که دفن نکردن چشم یا قرنیه جدا شده از پیکر میت و نگهداری آن در بانک از آن جهت که در محافظت و مراقبت کامل است چنین تبعاتی را نداشته و به همین خاطر از ادله‌ای که بر وجوب دفن دلالت دارد استثناء می‌شود.

ادله‌ای که ممکن است بر حرمت برداشتن و نگهداری چشم و قرنیه در بانک چشم استدلال شود بیان گردید و به نظر می‌رسد که دلالت این ادله - بر فرض قبول- به موجب احکام اولیه بوده و شامل حالت اضطرار و مواردی که نجات جان یا حفظ عضو افراد زنده به آن بستگی دارد نمی‌شود.

در مورد ادله حرمت قطع و برداشتن اعضاء از بدن میت باید به این نکته نیز توجه داشت که از جهت موضوع این ادله فقط شامل متوفایی می‌شوند که حفظ حرمت او واجب است، بنابراین شامل کافر حربی نمی‌شود و در مورد کافر ذمی نیز در صورتی که در ضمن قرارداد ذمه قید شده باشد یا متبادر عرفی در قرارداد ذمه، احترام آنان باشد و یا در جایی که بی احترامی به وی موجب وهن و بدبینی به حکومت اسلامی شود. (محمدری شهری، درس خارج، ۹۷/۱۱/۱۴)

در ادامه به گزارش نظرات فقهاء در این زمینه می‌پردازیم.

مرحوم امام خمینی (ره): «اگر حفظ جان مسلمانی موقوف باشد بر پیوند عضوی از اعضاء میت مسلمانی، جائز است قطع آن عضو، و پیوند آن، و بعید نیست دیه داشته باشد». (امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۱۴، مسأله ۲۸۸۲)

مرحوم آیت الله العظمی خویی (ره): «قطع کردن اعضایی مانند چشم و امثال آن برای پیوند به بدن فرد زنده جایز نیست و اگر چنین کاری کرد پرداخت دیه بر او واجب است. البته اگر حفظ جان مسلمان متوقف بر این پیوند باشد، این



شماره سوم
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

عمل جایز است اما پرداخت دیه بر کسی که عضو را قطع کرده واجب است». (خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۲۶، مسأله ۳۹)

مرحوم آیت الله العظمی تبریزی (ره) در پاسخ به استفتائی در این مورد فرموده است:

سؤال: پیوند اعضای مرده مسلمان به بدن بیمار جایز است یا باید با اجازه ورثه باشد؟

جواب: «باسمه تعالی؛ بنابر احتیاط، و لو با اجازه ورثه، جایز نیست، و الله العالم». (تبریزی، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۴۷۱)

مرحوم آیت الله العظمی سید محمد سعید حکیم (ره) در پاسخ به استفتائاتی در مورد پیوند عضو می‌فرماید:

سؤال ۱۲۸۹: آیا قطع عضوی از اعضای بدن متوفی مسلمان همچون چشمش و مانند آن برای پیوند به بدن فرد زنده با پرداخت دیه جایز است؟
پاسخ: این عمل حرام است مگر این که زنده ماندن فرد مسلمان متوقف بر آن عضو باشد.

سوال ۱۲۹۰: اگر فردی مرتکب این عمل حرام شد و آن عضو را قطع نمود آیا پیوند آن جایز است؟

جواب: پیوند آن جایز نیست و دفن آن به همراه میّت واجب است.
سؤال ۱۲۹۱: آیا با اجازه و رضایت میّت (عمل پیوند) جایز است و آیا بر کسی که عضو را قطع کرده، پرداخت دیه واجب است؟

خالی از اشکال نیست ولی بنابر احتیاط واجب نباید بر این عمل اقدام شود. (حکیم، الفتاوی / أسئلة وأجوبة، ص ۴۰۴)

آیت الله العظمی سید علی سیستانی: «قطع عضو مسلمان مرده مانند چشم و دستش برای پیوند زدن به بدن زنده جایز نیست، و اگر کسی چنین کند، بر او دیه

لازم می‌آید. و دفن آن عضو قطع شده واجب است، ولی اگر پیوند زد و عضو زنده‌ای از بدن شد، قطع آن واجب نیست». (سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۷۴، شماره ۲۸۵۴).

مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره): «در صورتی که زندگی عضوی از اعضای مسلمان زنده، بر قطع عضوی از بدن میت مسلمان متوقف باشد قطع آن عضو جایز است و ملاک ضرورت است». (فاضل لنکرانی، احکام پزشکان و بیماران، شماره ۳۹۲).

آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای در پاسخ به سؤالی در این زمینه، این گونه بیان فرموده‌اند.

سوال: آیا در قرنیّه‌ای که از بدن میت جدا شده و به بدن انسان دیگری پیوند زده می‌شود و در حالی که این کار غالباً بدون اجازه‌ی اولیاء میت انجام می‌شود، دیه واجب است؟ و بر فرض وجوب، مقدار دیه هر یک از چشم و قرنیّه چقدر است؟

پاسخ: برداشتن قرنیّه از بدن میت مسلمان حرام است و موجب دیه می‌شود که مقدار آن پنجاه دینار است، ولی اگر با رضایت و اذن میت قبل از مرگش، برداشته شود، اشکال ندارد و موجب دیه نیست. (خامنه‌ای، رساله‌ی اجوبه‌ی الاستفتائات، ص ۳۰۸، شماره ۱۲۸۹).

آیت الله مکارم شیرازی: درباره عمل پیوند چشم از ایشان استفتائاتی شده است که در ذیل بیان می‌گردد:

سؤال ۲۸۲: امروزه علم پزشکی بسیار پیشرفت نموده و پزشکان می‌توانند برخی از اعضای فردی که به‌طور طبیعی فوت کرده و حتی ضربان قلب او نیز از کار افتاده را به بیمارانی که در خطر مرگ هستند، یا زندگانی پر مشقت و



شماره سوم
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

رنج‌آوری دارند پیوند زنند (مانند کلیه، استخوان، کبد، چشم و...) آیا این عمل جایز است؟

پاسخ: در فرض مسئله اشکالی ندارد.

سؤال ۲۸۳: اگر جسد مجهول‌الهویه‌ای، که اعضای قابل پیوندی دارد، در دسترس باشد، آیا می‌توان اعضا آن را به بیماری که محتاج آن است پیوند زد؟ اگر بعداً ولی متوفی پیدا شود و نسبت به این کار اظهار نارضایتی کند چه باید کرد؟

پاسخ: اگر موجب نجات جان مسلمانی از مرگ یا بیماری هم می‌شود جایز است؛ و عدم رضایت ولی میت مشکلی ایجاد نمی‌کند و فرقی بین مجهول‌الهویه و غیر آن نیست؛ ولی احتیاط صرف دیه آن در خیرات برای میت است.

سؤال ۲۸۴: برداشتن قرنیه اجساد در سالن تشریح پزشکی قانونی و نگهداری آن در بانک قرنیه (با اجازه ولی و یا بدون آن) چه حکمی دارد؟

پاسخ: هرگاه سبب نجات مسلمانی از بیماری شدید چشم شود مانعی ندارد و بهتر است از کسان بیمار اجازه بگیرند.

سؤال ۲۸۵: آیا اجازه می‌فرمایید از اجساد مجهول‌الهویه قرنیه چشم برداشته و به چشم افراد نیازمند پیوند زده شود؟ در صورتی که در آینده اولیای دم شناسایی شوند وظیفه پزشکی قانونی در این رابطه چیست؟

پاسخ: در صورتی که نجات جان یا عضو مهم مسلمانی متوقف بر این کار باشد اشکالی ندارد و چنانچه بعداً اولیای میت پیدا شوند شایسته است در صورت اطلاع یافتن از موضوع رضایت آن‌ها جلب شود. (مکارم شیرازی، احکام پزشکی، ص ۱۱۰)

پس از بیان فتاوی فقها در مورد پیوند اعضا به ویژه چشم به برخی از نکات موضوع شناسی این نوع عمل اشاره می‌شود.

در میان فقهاء برخی همچون امام خمینی(ره)، مرحوم آقای خویی، مرحوم سید محمد سعید حکیم جواز عمل پیوند و برداشت عضو از اموات را تنها در صورت وابسته بودن نجات جان پذیرنده عضو جایز دانسته‌اند.

نکته قابل توجه از جهت موضوع شناسی این است که اعضای بدن به دو قسمت رئیسه و غیر رئیسه تقسیم می‌گردد. منظور از اعضای رئیسه اعضایی است که حفظ جان فرد به آن وابسته بوده و در صورت از بین رفتن آن عضو مرگ فرد حتمی است. مانند قلب، کلیه‌ها، ریه‌ها و... این دسته از مراجع پیوند را تنها در صورتی که از اعضای رئیسه باشد و نجات جان فرد به آن وابسته باشد جایز می‌داند. بنابراین می‌توان گفت چشم که نبود آن خطر جانی برای فرد ندارد، را نمی‌توان مشمول جواز ذکر شده در این فتوا دانست.

برخی دیگر از فقهاء هم چون مرحوم آیت الله تبریزی بدون اشاره به نوع عضو پیوند هر نوع عمل پیوند و قطع عضو از میت را جایز ندانسته‌اند.

در فتوای آیت الله سیستانی بر عدم جواز عمل پیوند عضو، از آنجا که مثال‌هایی که در متن فتوا ذکر کرده‌اند از قبیل اجزاء غیر رئیسه است-چشم و دست- نمی‌توان ایشان را از قائلین به ممنوعیت مطلق پیوند عضو دانست. چه اینکه ممکن است در مورد اجزاء رئیسه ایشان نیز نظر به جواز عمل پیوند داشته باشند. در مورد فتوای حضرت آیت الله خامنه‌ای بر ممنوعیت عمل پیوند قرنیه، نیز باید توجه داشت که فرض در متن استفتاء به عمل آمده از ایشان، در مورد استخراج بدون اجازه قرنیه از بدن میت پرسیده شده است و ایشان در مورد این فرض می‌فرمایند: برداشتن قرنیه از بدن میت مسلمان جایز نیست و موجب دیه است اما در ادامه می‌فرمایند اگر برداشت قرنیه با اجازه قبلی میت در زمان حیاتش بوده باشد، این عمل جایز است.



اما مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی ملاک در جواز این عمل را ضرورت دانسته و عمل پیوند حتی در صورتی که پیوند اعضای رئیسه نباشد را هم جایز دانسته است. در متن فتوای ایشان آمده است: «در صورتی که زندگی عضوی از اعضای مسلمان زنده، بر قطع عضوی از بدن میّت مسلمان متوقف باشد قطع آن عضو جایز است و ملاک ضرورت است».

در نهایت حضرت آیت الله مکارم شیرازی علاوه بر این که معیار در جواز عمل پیوند را نجات جان فرد مسلمان قرار داده است، در شرایطی که عمل پیوند عضو موجب نجات فرد از بیماری هم شود نیز پیوند را جایز دانسته است. البته ایشان در یکی از استفتائات در جواز عمل پیوند عضو، قید «مهم» (مکارم شیرازی، همان، ص ۱۱۰، سوال ۲۸۵) را ذکر می نماید که ظاهراً منظور ایشان اعم از رئیسه و غیر رئیسه است و اعضایی که نقش مهمی در حیات انسان دارند هر چند که نبودشان موجب مرگ هم نشود مانند: چشم که فقدان آن زندگی فرد را دچار اختلال می نماید ولی باعث مرگ فرد نمی شود را جایز دانسته است.

نتیجه

در بررسی تطبیقی بانک چشم در فقه اسلامی و دانش پزشکی این نتیجه به دست آمد که در موضوع حکم جواز پیوند و تهیه آن از بدن میت، برخی از فقهاء تنها در صورت اضطرار و نیاز مبرم نجات جان بیمار به جواز پیوند حکم داده‌اند. و برخی دیگر نیز در صورت اذن قبلی بیمار به جواز پیوند نظر داده‌اند و برخی نیز به ممنوعیت آن به صورت مطلق نظر داده‌اند. نکته‌ای که جای درنگ و تأمل دارد این است که در مورد فقهایی که جواز پیوند را مترتب بر نجات جان بیمار دانسته‌اند آیا این قید شامل بینایی نیز می‌گردد یا خیر؟ در مقابل برخی از فقهاء با توجه به همین نکته علاوه بر حفظ جان حفظ عضو را نیز به آن افزوده‌اند. و از جهت موضوعی باید همه این مصادیق و قیود آن‌ها مورد دقت و بررسی قرار گیرد تا حکم فقهی مربوط به آن مشخص گردد.

فقه و فقه‌مندان

شماره سوم
پاییز و زمستان

۱۴۰۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة: (هارون، عبد السلام محمد)، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. آناتومی گری برای دانشجویان، ریچارد ال دریک و دیگران، ترجمه دکتر غلامرضا حسن زاده و دیگران، تهران، ابن سینا، سوم، ۱۴۰۱.
۴. بافت شناسی جان کوئیرا، آنتونی ال، مشر، ترجمه ملیحه نوبخت و دیگران، تهران، آرتین طب، اول، ۱۴۰۰.
۵. البحرانی، الشیخ یوسف، الحقائق الناضرة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، بی تا.
۶. تبریزی، جواد، استفتائات جدید، قم، سرور، سوم، ۱۳۸۵.
۷. حسینی خامنه‌ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، قم، هدی، پانزدهم، ۱۳۸۸.
۸. حسینی سیستانی، سید علی، توضیح المسائل، قم، دفتر آیت الله سیستانی، سی و سوم، ۱۴۳۶ق.
۹. حکیم، سید محمد سعید، الفتاوی / أسئلة وأجوبة، بی جا، دار الهلال، ۱۴۲۵ق.
۱۰. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی قدس سره، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. خمینی، روح الله، موسوعه الامام الخمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) - دفتر قم، ۴۳۴ ه. ق.
۱۲. خمینی، سید مصطفی، تحریر العروة الوثقی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

۱۳. خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ق.

۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا (زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی)، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.

۱۵. روحانی، سید صادق، المسائل المستحدثه، قم، درالکتاب، چهارم، ۱۳۷۴.

۱۶. زین الدین، محمد امین، کلمه التقوی، قم، سید جواد وداعی، سوم، ۱۴۱۳ق.

۱۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل البيت، ۱۴۱۴ق.

۱۸. مؤمن، محمد، کلمات سدیدة، جامعه مدرسين، ۱۴۱۵ق.

۱۹. سید حسینی، صادق، خرید و فروش و پیوند اعضاء، علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۹۴.

۲۰. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام،

مؤسسه المنار، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.

۲۱. الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم، العروة الوثقی، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷.

۲۲. الطباطبائی، السید علی، ریاض المسائل، قم مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۲ق

۲۳. العلامة الحلی، مختلف الشیعه، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۱۳.

۲۴. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، احکام پزشکان و بیماران، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار ع، ۱۳۸۶.

۲۵. فرهنگ فارسی عمید، عمید، حسن، تهران، راه رشد، اول، ۱۳۸۹.



شماره سوم
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

۲۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب و مرتضی زبیدی محمد بن محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس (علی شیری)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، احکام پزشکی، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، اول، ۱۳۸۷.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۹. مؤمن قمی، محمد، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳۰. النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲ش.

۳۱. Snell's Clinical Anatomy by Regions، ۱۰th Edition. wolters kluwer، ۲۰۱۹.

۳۲. Atlas-of-Human-Anatomy-Netter-7th-edition، Frank H. Netter، Elsevier، ۲۰۲۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی